



آثار نظریه پزشکی قانونی و کارشناس بر تصمیم گیری قضات در پرونده های

قتل

احمد سام نژاد

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی واحد سنندج دانشگاه آزاد اسلامی

چکیده

ادله دعوی در طول زمان بسته به پیشرفت علوم انسانی تغییر کرده است. از شواهد ماورایی تا اشکال علمی آن. اجرای انتصاب کارشناس پزشکی قانونی با چالش های قابل توجهی مواجه است. از جمله این تحولات می توان به ماده ۹۱ قانون کیفری و تبصره آن اشاره کرد که به نظر کارشناسی پزشکی قانونی جایگاه ویژه ای داده است. در بسیاری از اختلافات به دلیل شرایط و ماهیت خاص، امکان رسیدگی قضایی نیازمند نظر افراد خیره و قابل اعتماد است تا قضات با اطمینان خاطر تصمیمات عادلانه تری صادر کنند. به همین دلیل ارجاع امور به کارشناس از اهمیت خاصی برخوردار است و لازم است اعتبار و اعتبار نظر کارشناس در ادله مورد بررسی قرار گیرد. آنچه این ابزار تحقق عدالت را از سایر تخصص ها جدا می کند، کاربرد آن در کلیه دعاوی است که منجر به خسارات جانی و معنوی برای افراد شده است. بسته می شود و تا چه حد آنها را ملزم به اتکا به فارغ التحصیلان پزشکی می کند و آیا برای این کار ضمانت اجرای تخلف از تصمیم و لزوم رفع نقص تعیین شده است. تغییرات قوانین نیز گاه مانعی بر سر راه اظهار نظر است و نحوه محاسبه دیه و ارش در اشکال مختلف خسارت، دقت بیشتری را می طلبد و به نظر می رسد نظریه کارشناسی برای اختلاف تعیین کننده نیست؛ اما اعتباری دارد که گاهی تصمیم نهایی دعوا را روشن می کند. اعتبار این نظریه بستگی به نگاه قاضی به آن و رضایت وجدانی او دارد. امکان اعتراض به این نظرات نیز تضمین کننده حقوق طرفین و حفظ بی طرفی قضات است. هدف این پایان نامه بررسی نقش پزشکی قانونی در احکام قضات در پرونده های قتل با روش تحلیلی- توصیفی و جمع آوری کتابخانه ای می باشد.

واژه های کلیدی: ادله اثبات دعوا، پزشکی قانونی، دادرسی تخصصی، اعتبار کارشناسی. دلیل، اعتبار نظر



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه: پزشکی قانونی کاربرد دانش پزشکی در امور مربوط به حقوق و وظایف افراد در جامعه است (ادیب، ۱۳۸۷: ۴۳). علم پزشکی قانونی علاوه بر ارتباط این رشته با نظام حقوقی، شامل قواعد و روش های علمی و علمی برای کشف حقایق است. مربوط به حادثه یا صحنه سازی مجرمین در صحنه جنایت و کشف چیزهای مربوط به اجساد است. وظیفه پزشکی قانونی شفاف سازی و تحلیل نقاط تاریک و مبهم پزشکی و تلفیق آنها با قوانین مربوطه است. برای این کار دقت و مهارت خاصی لازم است، زیرا هر از چند گاهی با مسائلی مواجه می شوند که ظاهراً بسیار ساده هستند، اما ممکن است حاوی مسائل و مشکلات مرموز باشند. (حکمت، ۱۳۷۱: ۱). حیات یکی از حقوق مسلم شناخته شده برای بشر است و در صورت سلب آن بدون مجوز قانونی باید در اسرع وقت و با ابزار کافی برای کشف جرم و محاکمه عامل یا عاملان قتل اقدام شود. یکی از راه های کشف جرم، اقدامات دقیق پزشکان قانونی است. تخصص پزشکی قانونی در اجرای عدالت بسیار ارزشمند است، به طوری که طبق قانون آیین دادرسی کیفری، قاضی دادگاه برای صدور رأی صحیح و عادلانه نیازمند استفاده از نظرات کارشناسان خبره است. کارشناسان پزشکی قانونی به عنوان یکی از این کارشناسان در مواردی که دادرسی مربوط به جسم و جان انسان است با ارائه اطلاعات تخصصی برای دادرسی عادلانه به قاضی کمک می کنند. پزشکان قانونی، کارشناسان و کارشناسانی هستند که در نهادهای نظام عدالت کیفری سمت سازمانی رسمی دارند. و از آنجایی که مسائل و موضوعات تخصصی به آنها ارجاع می شود و این ارجاعات عموماً در مرحله دادرسی است، بنا به خواست قاضی و دستور او نظرات تخصصی خود را بیان می کنند. معمولاً زمانی که قاضی در مواردی که شخصاً فاقد تخصص لازم در این مورد است به نظر کارشناس و کارشناس استناد می کند و زمانی که کارشناس را برای بازدید از محل دعوت می کند، در مواردی که نظر او از نظر علمی یا فنی ضروری است یا اطلاعات ویژه مثلاً در کشف جسد در صحنه جرم و یا در ارزیابی جرم تصرف عدوانی و سایر دعاوی مجرمانه و با تکیه بر توان علمی عصر جدید مراجعه به کارشناس و پیگیری الزامی است. نظر کارشناس امروزه تکیه بر شواهد علمی مانند پزشکی قانونی در کشف جرم، شناسایی مجرمان و نقش آن در تشخیص به ویژه در پرونده های جنایی غیر قابل انکار است. در حال حاضر در پرونده های مربوط به پزشکی قانونی تا زمان تعیین موضوع توسط کارشناس، نظرات کارشناسان پزشکی قانونی به همراه اقرار و شهادت نقش موثری در کشف حقیقت دارد. او از فنی بودن موضوع پیش روی خود بهره می برد، نوعی معاینه فنی در زمینه هایی که خود قاضی در آن تخصص ندارد. (زراعت و حاجی زاده، ۱۳۹۲: صص ۳۵۸-۳۵۹) علاوه بر وجود رابطه حقوقی بین قاضی و کارشناس پزشکی قانونی، در میان آنها ضابطان دادگستری و در رأس آنها کارآگاهان پلیس آگاهی قرار دارند که مسئولیت دارند. برای تحقیقات



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدماتی در خصوص جرایم جنایی و مرتبط با خود... تحقیقات را بر عهده دارند، با کارشناسان پزشکی قانونی نیز همکاری کنند و از تجهیزات، امکانات و کمک هایی که این سازمان می تواند در بخش های مختلف داشته باشد برای کشف حقیقت بهره مند شوند. بنابراین قاضی قادر به تعیین تکلیف پرونده نخواهد بود و تصمیم بر اساس تشخیص موضوع توسط کارشناس پزشکی قانونی است. عدم ذکر کارشناسان در قوانین کیفری دلیل بر بطلان نظر پزشک قانونی نیست، بلکه قاعده قاعده نحوه داشتن دلیل در نظام کیفری این قصور را توجیه می کند و ذکر چند مورد. دلایل صریح در قانون حاکی از عینیت داشتن دلیل و پذیرش نظام ادله اثبات قانونی است و صدور حکم بر عهده قاضی نخواهد بود. با این تصویر و با توجه به تعداد ارجاعات به درصد نظرات این صنف و نقشی که پزشکی قانونی از طریق مطالعات و تحقیقات پزشکی قانونی و پذیرش بیش از کارکرد و اعلام نتایج معاینات و جزئیات تخصصی آنها در تشخیص و پیشگیری از جرایم، زمان آن فرا رسیده است. رسیده است که ایشان به اعتقاد سنتی قبلی توجه جدی داشته و قبول تخصص را دلیل مستقلى بر اعتبار آن می دانند. معرفی شد ولی برای مقدمه دقیقتر این مقاله شامل بررسی و بررسی آثار نظریه پزشکی قانونی و کارشناسان تصمیم گیری قضات در پرونده های قتل می باشد تا با تصویب قوانین لازم قضات را ملزم به انجام امور پزشکی کنند. و سیستم خبره علمی تر است. (رشادتی، ۱۳۸۷: ۴۵).

سؤال این تحقیق این است که آیا قوانین و رویه قضایی نشان می دهد که قاضی در ارزش گذاری نظر کارشناسی در موارد ارائه شده دارای آزادی عمل است یا خیر؟ در صورت تکیه بر توانمندی های علمی عصر جدید مراجعه به کارشناس و پیگیری نظر کارشناس الزامی است. اما خلأ قانونی که ما را مجبور به نگارش این تحقیق کرد این است که متأسفانه قانونگذار در ارجاع مسائل به کارشناسان یک مبنای واحد را رعایت نکرده است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی فراوانی نسبی درخواست نظر کارشناسی و تأثیر نظر کارشناسی پزشکی قانونی در نظام قضایی موجود با روش تحلیلی- توصیفی و مجموعه کتابخانه ای است. بررسی ها نشان می دهد که قضات از نظر کارشناسان پزشکی قانونی استفاده می کنند و برای آن ارزش قائل هستند. وحدت رویه وجود ندارد. اصول کارشناسی بر اساس رعایت موازین و اصول علمی آن تخصص است. دادگاه زمانی حق رد نظریه کارشناس را دارد که ثابت کند نظریه مذکور با واقعیات و اوضاع و احوال موضوع مطابقت ندارد. در نتیجه بدون شک در امور تخصصی و فنی مراجعه به کارشناس و پیگیری نظر کارشناس الزامی است. به نظر می رسد در کنار تلاش برای علمی تر شدن نظام پزشکی، با تصویب قوانین لازم، قضات را ملزم به اخذ نظر کارشناسی نیز کرد و بخش مهمی از تجهیزات و توانمندی های بخش های مختلف پزشکی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

قانونی ذکر خواهد شد. کارآگاهان سود می برند. آنها می توانند با اطلاعات کافی به دنبال کشف جرم باشند. با اطلاعات کافی به دنبال کشف جرم باشید.

اهداف تحقیق

تبیین آثار نظریه پزشکی قانونی و کارشناس بر تصمیم گیری قضات در پرونده های قتل

شناخت تکلیف قاضی در پذیرش یا رد نظریه کارشناس پزشکی قانونی

بررسی نقش پزشکی قانونی در کشف علت مرگ

سؤالات تحقیق

آثار نظریه پزشکی قانونی و کارشناس بر تصمیم گیری قضات در پرونده های قتل چگونه می باشد؟

تکلیف قاضی در پذیرش یا رد نظریه کارشناس پزشکی قانونی چگونه می باشد؟

پزشکی قانونی در کشف علت مرگ چگونه می باشد؟

فرضیه های تحقیق

نظر کارشناس هنگامی به صورت دلیل از دادگاه معتبر خواهد بود که منطبق با واقع بوده و برای قاضی ایجاد یقین کند.

یک دعوای کیفری در خصوص موارد مرتبط با پزشکی قانونی از مسیر عادی خود منحرف نمی شود مگر آن که پزشکی قانونی در اظهار نظر خود مرتکب خطایی شده باشد.

پزشکی قانونی از جسد معاینه به عمل آورده و با کالبد شکافی از آن درمورد نحوه حدوث و علت مرگ اظهار نظر می کند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مبانی نظری :

جایگاه کارشناسی در ساختار ادله اثبات نظام حقوقی اسلام

جایگاه کارشناسی در ساختار ادله اثبات نظام حقوقی اسلام، در سایه علم قاضی قرار دارد و جزء امارات و قرائن قطعیه و علم آور برای قاضی است. برآیند نظرات فقها در باب علم قاضی این است که در حق الله و در حق الناس علم قاضی دارای حجیت مطلق است؛ اما برای قاضی شرایطی نظیر جامع شرایط و صاحب فتوای بودن را ذکر کرده اند. بنابراین میبیینیم علت پافشاری فقها بر حجیت علم قاضی چیست، فردی که مجتهد جامع شرایط و صاحب فتوا باشد آرا و نظرات او صائب و معتبر خواهد بود، اما میبیینیم در شرایط حاضر وضعیت قضات چندان تطابقی با آرای نظرات فقها ندارد و چنین شرایطی بازنگری در قوانین راجع به دلایلیت نظرات کارشناسان ضرورت پیدا میکند، چرا که نمیشود یک طرف معادله تغییر کند ولی طرف دیگر تغییر نکند، در وضعیت فعلی که قضات مجتهد جامع شرایط و صاحب فتوا نیستند، دیگر، دلیل استنادی برای حجیت مطلق علم آنان وجود ندارد لذا ارزش نظرات کارشناسی کارشناسان اگر بیشتر از ادله قانونی مانند اقرار و شهادت شهود نباشد کمتر نخواهد بود. در شرایط کنونی به سبب فقدان ویژگی‌های مذکور حجیت مطلق علم قاضی از بین رفته است و نظام علم قاضی با استثنائاتی مواجه شده است. مواد ۲۵۷ تا ۲۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی و مواد ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۵۵، ۱۵۶، الی ۱۶۷ قانون آیین دادرسی کیفری در زمینه نظرات کارشناسان و ارزش اثباتی آنها وضع شده است و برای سنجش اعتبار نظرات کارشناسان شرایطی نظیر صریح و روشن بودن، قاطع و منجر بودن، موجه و مستدل بودن، مطابقت با قرار ارجاع، عدم مخالفت با اوضاع و احوال مورد کارشناسی و رعایت مهلت اعلام نظر بیان کرده است. همه این قوانین نشان دهنده ارزش و اعتباری است که قانونگذار برای نظر کارشناسان قائل شده است. مراجع قضایی برای نظرات کارشناسی کارشناسان ارزش و اعتبار فراوانی قائل هستند تا آنجا که بر اساس آرای دیوان عالی کشور اگر دادگاهی بدون صلاحیت علمی و فنی، نظریه کارشناس را رد کند و رأساً اقدام به صدور رأی نماید چنین رأیی ارزش قضایی نداشته و قابل ابطال است (وفایی، ۱۳۷۶ : ۳۲)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تعیین علت مرگ توسط پزشکی قانونی و کشف قتل

یکی از وظایف بسیار مهم و حساسی که بر عهده پزشکی قانونی نهاده شده است تعیین علت مرگ در اجساد می باشد که این مهم، گاهی با انجام معاینات ظاهری صورت می گیرد و گاهی اوقات به لحاظ ناممکن بودن تعیین علت مرگ با معاینه ظاهری، پس از انجام کالبدگشایی و انجام آزمایش های لازم در خصوص علت فوت صورت می گیرد. به طور کلی در هر مورد مشکوک، جسد باید توسط پزشکی قانونی معاینه شود و سپس جواز دفن صادر گردد. اجساد که در منازعات، تصادفات، خودکشی ها، اصابت گلوله، اصابت چاقو و... فوت نموده اند حتماً باید توسط پزشکی قانونی معاینه شوند و علت مرگشان معلوم شود. بررسی پدیده ای مجرمانه بدون تشخیص چگونگی و علت حدوث آن امری مشکل و امکان ناپذیر می باشد؛ موفقیت مأمورین تحقیق در پی جویی و کشف قتل و شناسایی قاتل بدون جمع آوری اطلاعات و علم از علت واقعی مرگ مقدور نمی باشد. در بسیاری از پرونده ها که در سال های طولانی توسط کارآگاهان پی جوی قتل رسیدگی واقع است به دفعات مشاهده شده است که بعد از وقوع جنایت به خصوص در قتل های خانوادگی، با تحریف واقعیت ها و صحنه سازی های ماهرانه سعی شده که موضوع به صورت کاملاً عادی و طبیعی وانمود شود که در صورت نبود دقت افسران پی جو و پزشکی قانونی چه بسا خون بی گناهی پامال شده و جنایت کاری از چنگال عدالت و مجازات می گریخته است.

تعیین علت مرگ در یک پرونده جنایی، مهم ترین مرحله در آن است که در صلاحیت و شایستگی پزشکی قانونی می باشد. در واقع هر چند که سنگینی و زحمت بخش بزرگ یک پرونده قتل بر دوش کارآگاه جنایی است؛ اما بدون اظهار نظر پزشکی قانونی و تعیین علت فوت امکان به سرانجام رساندن پرونده ممکن نیست و شاید این مهم ترین دلیل و عاملی است که در گروه و تیم کاری پی جوی پرونده های قتل، یکی از اصلی ترین اعضای آن تیم که از همان لحظه اطلاع از وقوع جنایت باید حتی در صحنه جنایت نیز حضور داشته باشد، پزشکی قانونی است. نظریه پزشکی قانونی در یک پرونده قتل و تعیین علت مرگ در تصمیمات متخذه قضایی نیز تأثیرگذار است؛ در بعضی از حوادث جنایی مشاهده می شود که عاملین و مرتکبین در یک فرآیند جنایی بیش از یک نفر بوده و میزان دخالت و فعل ارتكابی آنها نیز در وقوع قتل به یک اندازه نیست در این صورت پزشکی قانونی نقش کلیدی خود را ایفا نموده و کمک بسیار بزرگ و ارزشمندی را به مقام قضایی و کارآگاه جنایی خواهد کرد؛ به عنوان مثال در یک واقعه قتل، فردی توسط دو نفر به ضرب دو نوع چاقو از قسمت های مختلف مورد



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

اصابت قرار می‌گیرد؛ اما بررسی‌های پزشکی قانونی مشخص می‌کند با وجود استفاده از دو نوع آلت جرم در حادثه، تنها ضربه خاصی از یک نوع از آن چاقوها کاری بوده و با برخورد به نقطه حیاتی بدن موجب مرگ شده است که با نظریه مذکور، فرد قاتل که بی‌شک مجازات سختی در انتظار او خواهد بود مشخص می‌شود و مسیر تحقیقات تکمیلی را برای بازپرس دادسرا و افسر آگاهی هموار می‌کند. همیشه بر این مهم تأکید شده است که بدون حضور کارشناسان در صحنه‌های جنایی سعی شود از هرگونه جابه‌جایی و دستکاری جسد و سایر ادله و مدارک موجود در آنجا خودداری شود و به گونه‌ای هماهنگی شود که پزشکی قانونی در اولین زمان ممکن و قبل از هرگونه دخالت عوامل خارجی مسئول یا غیرمسئول در محل حاضر انجام وظیفه کند؛ این موضوع به خصوص در جنایات‌هایی که مقتول پس از قتل توسط جانپان دفن شده و یا در مواردی که جسد در بیابان و کوهستان رها شده و احتمالاً قسمت‌هایی از بدن مورد طعمه جانوران وحشی قرار گرفته باشد تعیین علت مرگ هم مشکل و هم بسیار حساس و تأثیرگذار در کشف قتل خواهد بود. تعیین زمان مرگ توسط پزشکی قانونی و کشف قتل در اغلب صحنه‌های قتل و مرگ‌های غیرطبیعی پیدا کردن شاهد و گواهی که ساعت وقوع قتل را روشن می‌کند امر مشکلی است و چون دانستن این موضوع برای مأمور پی‌جو بسیار مهم است؛ بنابراین مأمورین باید بتوانند با کمک پزشکی قانونی ساعت وقوع مرگ را حدس و تخمین بزنند. تخمین زمان مرگ به ویژه در قتل‌هایی که هیچ شهادتی موجود نیست از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. باید گفت هرچقدر مدت بین مرگ و کشف جنازه کوتاه‌تر باشد تخمین زمان و ساعت مرگ، آسان‌تر و مطمئن‌تر خواهد بود. آنچه که معلوم است که تعیین زمان دقیق مرگ اگر غیرممکن نباشد، کاری بسیار دشوار است. دیگر نمی‌توان به معاینات چشمی و دستی یا به اندازه‌گیری دقیق‌تر دمای بدن متکی بود. حتی روش‌های بیوشیمیایی دقیق نیز نتایج قابل اعتمادی به دست نمی‌دهد؛ تنها می‌توان مدعی شد که زمان مرگ در محدوده وسیعی قابل تخمین است. عوامل متغیر متعددی ممکن است در این ارزیابی موثر باشد؛ واضح است که هرچه تعداد این عوامل کمتر باشد و هرچه نشانه‌های بیشتری مورد توجه قرار گیرد، نتیجه به دست آمده دقیق‌تر خواهد بود. تحقیقات جامع و گسترده‌ای توسط کارشناسان خبره پزشکی قانونی بر روی سرد شدن بدن بعد از مرگ انجام شده و نتایج حاصل بر این مهم تأکید داشته است که دقیق‌ترین روش جهت تخمین زمان فوت در ۱۲ ساعت اول پس از مرگ بررسی درست و دقیق سرد شدن جسد است. هر چند سرعت سرد شدن جسد به عوامل و متغیرهای مختلفی از جمله: درجه حرارت محیط، دمای اولیه بدن جسد، کیفیت پوشش و حفاظت بدن



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

، کوران و رطوبت هوا، وزن و جثه فرد و خونریزی جسد بستگی دارد. به طور کلی می توان گفت هرچه فاصله زمانی بین مرگ و کشف جسد کوتاه تر باشد تخمین زمان مرگ دقیق تر و صحیح تر خواهد بود. یک جسد تازه در مقایسه با جسدی که بوی تعفن گرفته است بهتر قابل ارزیابی است (افتخارزاده ، ۱۳۷۷: ۲۸).

در رسیدگی به پرونده های جنایی و در راستای نظم بخشی به تحقیقات کارآگاهان پی جوی قتل چند فاکتور و گزینه اساسی از آغاز و شروع تحقیقات مدنظر قرار گرفته و چه بسا ادامه تحقیقات بر پایه یافته های مربوط به آن فاکتورها و مولفه ها سازمان دهی می شود. یکی از این موارد، تعیین زمان مرگ فوت شده به هنگام اطلاع از وقوع حادثه است. هر چند کارآگاه پی جوی پرونده ، اطلاعاتی علمی و تجربی حتی ناکافی و ناقص در مورد تعیین تقریبی زمان مرگ به هنگام حضور در صحنه های جنایی داشته باشد و تا حدودی برداشت های واقع بینانه نیز در چنین صحنه هایی معمول می دارد؛ اما به لحاظ این که تعیین زمان مرگ با نگرش به فعل و انفعالات خاص در بدن صورت می گیرد؛ عملی تخصصی و پیچیده است و براساس شرایط آب و هوا، موقعیت محل کشف جسد و سایر مولفه های تأثیرگذار متفاوت می باشد؛ و در برخی صحنه های جنایی ممکن است جسد تحت تأثیر آن موارد اعلامی قرار گیرد و تعیین زمان مرگ آنگونه که انتظار می رود به راحتی امکان پذیر نباشد؛ (افتخاری و دیگران ، ۱۳۸۴: ۲۹)

پزشکی قانونی با تسلط بر علوم و یافته های پزشکی نقش اساسی در این مورد ایفا می کند. کارآگاه پی جوی پرونده به هنگام انجام تحقیقات درخصوص زمان احتمالی وقوع جنایت ، باید زمان مرگ قربانی را به دست آورد و به هنگام مواجهه با مظنونین و متهمان پرونده و انجام تحقیقان از آنها، از در اختیار داشتن زمان وقوع قتل به شکلی کاملاً هوشمندانه در مسیر رسیدن به هدف استفاده کند. هر چقدر تعیین زمان مرگ دقیق و به واقعیت نزدیک باشد به همان میزان تأثیر مثبت آن بر تحقیقات قضایی و پلیسی بیشتر خواهد بود؛ نقش موثر تعیین زمان مرگ توسط پزشکی قانونی در این موارد بیشتر دیده می شود در اجساد که از زمان مرگ آنها مدت زمانی طولانی سپری شده ؛ یا پس از جنایت در محل دیگری توسط جانی یا جانپان دفن شده و آثار و علایم اولیه و تشخیصی از بین رفته باشد؛ و یا در پرونده هایی که جسد به منظور عدم شناسایی هویت پس از جنایت توسط جانی یا جانپان سوزانده شده باشد؛ و یا به لحاظ اوج قساوت و یا کینه قلبی به طرز وحشتناکی قطعه قطعه و



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مثله شده اند. اگر در این مرحله از تحقیقات اظهار نظر کارشناسی پزشکی قانونی دقیق و حساب شده نباشد چه بسا مسیر تحقیقات نیز منحرف شده و کارآگاه پی جو و بازپرس پرونده دچار مشکل شوند. (قزل ایغ، ۱۳۳۶ : ۳۳)

نقش پزشکی قانونی در جرایم پزشکی

جرایم پزشکی از دیدگاه وکیل پزشکی از جمله دعاوی تخصصی می باشد که بررسی آن نیازمند کارشناسی دقیق اقدامات انجام داده شده توسط پزشک می باشد لذا در این جرایم دادیار یا بازپرس رسیدگی کننده لاجرم باید پرونده را به کارشناسان متخصص در این زمینه ارجاع نماید. کارشناسان متخصص در زمینه جرایم پزشکی همان پزشکی قانونی است که در جرایم پزشکی به دلیل حساسیت امر از کمیسیون سه نفره آغاز شده و به ترتیب دارای کمیسیون های پنج نفره و هفت نفره و نه نفره و در نهایت کمیسیون عالی می باشد. در نتیجه پزشکی قانونی در جرایم پزشکی نقش کارشناس را در پرونده ایفا می کند و نظر کمیسیون عموماً تعیین کننده در سرنوشت پرونده پزشکی می باشد هر چند قاضی رسیدگی کننده می تواند خلاف نظر کمیسیون نیز اعلام نظر نماید و رای صادر کند.

اعتبار نظریه کارشناسی در محاکم کیفری

یکی از مباحثی که اغلب در مسیر دادرسی های قضایی مطرح می شود، نظریه کارشناسی است. این که نظریه کارشناسی چه اهمیتی دارد؟ امروزه نظریه کارشناسی از جمله دلایل مهم در دعاوی است و نقش برجسته ای در رسیدگی های قضایی دارد. زندگیهای نوین در جوامع پیچیده و صنعتی معاصر دشواریهای خاص خود را دارد و مسائل پیچیده ای را مطرح می سازد که حل آنها نیاز به تخصص دارد. پلیس علمی - پزشکان قانونی، کارشناسان خط - کارشناس شیمی - کارشناس روانی - سم شناس - کارشناس تصادفات و..... همه از انواع شاخه های کارشناسی در امور مختلف هستند. جایگاه کارشناسی در ساختار ادله اثبات در نظام حقوقی اسلام در سایه علم قاضی قرار دارد و جزء امارات و قرائن قطعیه و علم آور برای قاضی است. نظریه کارشناسی در مسائل کیفری جایگاه مهمی دارد. امروزه در بیشتر پرونده های مطروحه در مراجع قضایی، ارجاع به نظر کارشناس به چشم می خورد و کمتر پرونده ای را می توان یافت که در آن نیاز به ارجاع کارشناس احساس نشود. (حکمت،

(۴۲ : ۱۳۷۱)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ادله بودن نظریه کارشناسی

در حقوق موضوعه، کارشناسی به عنوان یکی از ادله اثبات دعوی به رسمیت شناخته شده است در حقوق کشور ما، در قانون آیین دادرسی مدنی، یکی از ادله اثبات دعوی شناخته شده و احکام آن در قانون یاد شده و قوانین مربوط به نظریه کارشناس و سایر قوانین بیان شده است. با وجود این در کتاب سوم قانون مدنی نامی از کارشناس برده نشده است. در قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین مربوطه، ارجاع به کارشناس و انتخاب کارشناس، تابع نظامات خاص است در امور کیفری نیز مواد ۴۴۸، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۶۹، ۴۶۳، ۴۶۱، ۴۶۳، ۴۶۹، ۴۵۲، ۴۵۱، ۴۴۸، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۷، ۸۸ آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری به دعوت از اهل خبره به منظور اظهار نظر از جهت علمی و فنی و معلومات مخصوصی و حتی جلب آنان در جرایم مخل امنیت و خلاف نظم عمومی در صورت عدم حضور بدون عذر موجه اشاره شده است. توجه به مواد قانونی مربوط به نظریه کارشناس معلوم می‌گردد که نظریه کارشناس از دلایل مهم اثبات است و مورد توجه خاص قانونگذار قرار گرفته است. در عمل نیز، در بسیاری از پرونده‌های مطرح شده در دادگستری مسأله استناد و ارجاع به کارشناس پیش می‌آید و کمتر پرونده‌ای را می‌توان یافت که در آن، ارجاع به کارشناس، لازم نباشد. برای ادله قابل ارایه در محاکم، تقسیم بندی‌هایی صورت گرفته است. از جمله این تقسیم بندی‌ها، تقسیم دلایل به ادله قانونی و ادله آزاد است. ادله قانونی را قانون صراحتاً دلیل بر امری قرار داده است ولی ادله آزاد، آنهایی هستند که طبق نظر دلیل بر اثبات امری شناخته می‌شوند. ادله قانونی منحصر به اقرار- شهادت شهود- قسم و امارات قانونی می‌باشند و ادله آزاد، منحصر در امارات قضایی هستند. کارشناسی در زمره ادله اثباتی به شمار نرفته و در تابعیت علم قاضی قرار دارد، بنابراین در ارزیابی آن آزاد است و تکلیفی در قبول نظریه کارشناسی ندارد. قاضی بر اساس اختیار وسیع خود در بررسی ادله به ارزیابی نظر کارشناس می‌پردازد و در صورتی که نظر کارشناس را مطابق با واقع و صحیح تشخیص دهد و شرایط اعتبار نظر را فراهم ببیند و ایرادی در آن نشناسد، به آن ترتیب اثر می‌دهد و آن را مبنای صدور رای قرار می‌دهد. هم چنین قاضی اختیار دارد با در نظر داشتن نظر کارشناس بر اساس سایر ادله تصمیم گیری کند، فی الواقع بر اساس ماده ۲۶۵ قانون آیین دادرسی مدنی قاضی مکلف به پذیرش نظر کارشناس نیست و اگر آن را با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابق نداند از ترتیب اثر دادن به آن خودداری می‌کند و البته شایان ذکر است که، گرچه نظریات کارشناس از لحاظ موازین قانونی با سایر ادله برابری نمی‌



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

کند ولی در عمل از اعتبار بالایی برخوردار است و قضاوت دادگاه‌ها اهمیت خاصی برای نظریات کارشناس در دعاوی قائل هستند. (گودرزی، ۱۳۷۷: ۱۱۹)

ارجاع پرونده های قتل به کارشناس

علی الاصول در امور جزایی ارجاع یا عدم ارجاع موضوع به پزشکی قانونی بسته به نظر مقام قضایی است و دادگاه الزامی به ارجاع ندارد، اما در صورتی که موضوع جنبه فنی و تخصصی داشته باشد دادگاه‌ها رسماً حق اظهار نظر ندارند و باید موضوع به کارشناس پزشکی قانونی ارجاع گردد. کارشناس علاوه بر این که می‌تواند در صورت حصول علم برای دادگاه موجب تبرئه یا اثبات ارتکاب جرم توسط متهم گردد می‌تواند به عنوان دلیلی بر کشف حقیقت امر مورد استفاده قرار گیرد و در صورت ارتکاب جرم توسط متهم به استناد ادله دیگر، نظریه کارشناس در میزان مجازاتی که دادگاه برای جرم مورد کارشناسی تعیین می‌نماید نیز دخالت دارد. در حال حاضر نظرات کارشناس بر پایه اصول، علل و با کمک پیشرفته‌ترین وسایل آزمایشگاهی که امکان خطر و اشتباه در آنها به حداقل رسیده انجام می‌گردد، بنابراین چون کارشناسی بر مبنای علمی و ادله فنی استوار می‌باشد دلیلی قاطع و بسی بالاتر از شهادت تلقی می‌گردد. این امر به خوبی نشان می‌دهد که با عنایت به ارزش و اهمیت نظرات کارشناسان، باید ترتیبی اتخاذ شود تا ارزش قضایی و اثباتی این نوع از کارشناسی‌ها بیش از آنچه امروزه شاهد آن هستیم، مورد توجه قرار گیرد.

نقش پزشکی قانونی در پرونده های قتل

دادگاه زمانی حق رد نظریه کارشناس را دارد که ثابت نماید نظریه مذکور با اوضاع و احوال محقق و معلوم قضیه مطابقت ندارد. اما زمانی که به طور مستقل ادعای خود را ثابت ننماید عقیده کارشناس محکوم به حجیت است. در صورتی که دادگاه بدون صلاحیت علمی و فنی و عاری از هرگونه استدلال نظریه خبره را رد نماید، چنین حکمی قابل ابطال است و لزوماً برای قبول یا رد و نیز میزان ارزش اثباتی کارشناسی باید به کارشناس دیگری رجوع نمود و رد نظر خبره جز با جلب نظر کارشناس دیگری امکان پذیر نیست در آیین دادرسی ادله اثبات جرم مشتمل بر اقرار، شهادت و علم قاضی ذکر گردیده است اما حدود اعتبار علم قاضی باید مشخص شود. عصر حاضر دوران دلایل علمی در اثبات دعاوی است. در دوران معاصر شناخت و اقتناع وجدانی قاضی از ویژگی علمی، تجربی، محسوس و مادی برخوردار بوده، میزان ذهن‌گرایی و تردید و تخیل در آن به مراتب کمتر است. از جمله موارد ابهام در قانون، می‌توان



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

به این مورد اشاره داشت که در قانون مجازات اسلامی، قانونگذار از علم قاضی به عنوان یکی از راه های ثبوت قتل یاد کرده است ولی در باب حدود در اثبات بسیاری از جرایم از ذکر علم قاضی به عنوان دلیل اثبات خودداری و تنها از اقرار و شهادت سخن به میان آورده است که این عمل او سوالات و ابهامات زیادی را ایجاد کرده است. به عنوان مثال آیا جرایم زنا، شرب خمر، محاربه و فساد فی الارض و قذف تنها با اقرار یا شهادت قابل اثباتند؟ ادله مذکور موضوعیت دارند یا طریق حصول علم هستند و به طریق اولی آیا علم قاضی دلیل اثبات اینگونه جرایم می باشد؟ ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی حجیت مطابق علم قاضی را پذیرفته است. به نظر فقهای شیعه علم قاضی در راس ادله است و تا زمانی که علم قاضی وجود دارد نوبت به دیگر ادله نمی رسد. صاحب نظران علم حقوق هم معتقدند در صورتی که واقعیت کشف نگردید و علم حاصل نشد نوبت استفاده از اقرار و شهادت فرا می رسد. در نتیجه شکی نیست که در امور تخصصی و فنی ارجاع به کارشناس و تبعیت از اظهار نظر کارشناس الزامی است.

نتیجه گیری:

سازمان پزشکی قانونی یک سازمانی است که زیر نظر قوه قضائیه جهت انجام کارهای کارشناسی در امور پزشکی فعالیت می کند و در مواردی که از طرف دادگاه یا مراکز دیگری مانند بیمه و... به آنها ارجاع می شود به بررسی موضوع پرداخته و نظر کارشناسی خود را در آن زمینه بیان می دارد. از آنجایی که نظر هر کارشناس ممکن است صحیح یا اشتباه باشد، در مورد نظرات ارائه شده از طرف پزشکی قانونی نیز امکان اشتباه وجود دارد؛ لذا اشخاص می توانند تا یک هفته بعد از اینکه نظر کارشناس پزشکی قانونی به آنها ابلاغ شد، با پرداخت هزینه مربوط به اعتراض، نسبت به نظرات این سازمان اعتراض خود را اعلام کنند، که البته لازم است این اعتراض مورد توجه قاضی پرونده قرار بگیرد و در صورت تایید قاضی مربوطه، امکان بررسی مجدد پرونده وجود خواهد داشت. نکته دیگری که در رابطه با این سازمان وجود دارد این است که فعالیت های این سازمان تنها مربوط به مسائل کیفری نیست؛ بلکه در امور حقوقی نیز امکان ارجاع پرونده به آنها و اظهار نظر از سوی این سازمان وجود دارد. اکثر پرونده هایی که موضوع صدمات داشته باشند اعم از عمدی و غیر عمدی که از حوزه های قضایی به پزشکی قانونی ارجاع می شود پس از بررسی نظریه خود را اعلام می کنند که این امر موجب می شود تکلیف پرونده ها و خصوصاً پرونده هایی که مهم هستند مشخص شود. نظریه های پزشکی قانونی مهم و در رای قاضی تاثیرگذار است. امروزه اهمیت و نقش علم در کشف و اثبات جرایم نسبت به دلایل نظری برای دستگاه قضایی به صراحت روشن و مشخص شده است به گونه ای



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

که اهمیت دالیل آزمایشگاهی (دلایل مادی) در مقایسه با دلایل نظری در احقاق حق و تأمین عدالت کیفری و کمک به علم قاضی در اثبات جرایم نقش مهم تری نسبت با اقرار، قسم، شهادت و... پیدا کرده است. زیرا دلایل مادی، شواهد عینی قابل لمس، مشاهده و استناد بوده و رد و انکار آن غیر ممکن است

بنابراین، نتایج بخش آزمایشگاه های پزشکی قانونی در کشف جرم قتل نقش مؤثری دارد. با عنایت به اهمیت و ارجحیت ویژه ای که فناوری و علوم آزمایشگاهی در کشف و اثبات جرایم در مقایسه با سایر دلایل و مدارک موجود داشته و نظر به اینکه جایگاه محکم و ارزشمند نتایج حاصل از این علوم در فرایند رسیدگی به پرونده های جنایی برای دستگاه قضایی به صراحت روشن و مشخص شده است و دلایل آزمایشگاهی (دلایل مادی) در مقایسه با دلایل نظری در احقاق حق و تأمین عدالت کیفری و کمک به علم قاضی نقش مهم تری ایفا می کند، لیکن این بخش از پزشکی قانونی با دارا بودن قسمت های تخصصی و با تکیه بر تجزیه و تحلیل منطقی مدارک و دلایل مکشوفه از صحنه های جنایی و تحصیل و دستیابی دلایل علمی، می تواند کمک بزرگ و قابل توجهی را برای کارآگاهان جنایی و بازپرسان ویژه قتل دادسرا در مراحل رسیدگی و پی جویی قتل داشته باشد. برای بررسی، تحقیق و کشف علت مرگ از نظر جرم شناسی و در مواقعی که برای مقام های قضایی و انتظامی علت مرگ معلوم نباشد و احتمال وقوع جنایتی در میان باشد، پزشکی قانونی از جسد معاینه به عمل آورده و با کالبد شکافی از آن، درمورد نحوه حدوث و علت مرگ اظهار نظر می کند. بخش تشریح یکی از تخصصی ترین و حساس ترین قسمت های سازمان پزشکی قانونی است که عملکرد مثبت و کارآمد این بخش در کشف پرونده های جنایی خصوصاً قتل نقش کلیدی و اساسی ایفا می کند. با توجه به اینکه یکی از ادله اثبات جرم که به نظر مشهور فقها در همه جرایم اعم از جرایم مستوجب حد و حق الناس حجیت دارد علم قاضی است و با توجه به تبیین صورت گرفته در این نوشتار که برای حجیت علم قاضی، علم ایجاد شده برای قاضی بایستی در حد علم نوعی و عادی باشد به این نتیجه رسیدیم که اگر قاضی از طریق کارشناسی های علمی و ادله اثبات علمی و از جمله اظهار نظر کارشناسی پزشکی قانونی به این حد از علم رسد، می تواند بر مبنای آن میزان از علم قضاوت نماید و به نظر می رسد از این جهت امکان استفاده از ادله اثبات علمی به طور عام و اظهار نظر کارشناسی پزشکی قانونی به طور خاص، به عنوان یکی از مبادی ایجاد علم برای قاضی در جهت اثبات جرایم از منظر فقه امامیه با مشکلی مواجه نیست. اما از دیگر سو با توجه به برخی سیاست های کیفری نظام حقوق کیفری اسلام در رابطه با جرایم مستوجب حق الله و حق الناس قلمروی برای اعتبار این نوع از ادله در انواع جرایم تبیین نموده ایم و به طور خاص در جرایم مستوجب حق الله به دلیل جریان برخی از این سیاست



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ها از جمله اصول ستر و جرم پوشی و عدم مذاقه قلمرو استفاده از ادله اثبات علمی جرم به خصوص در جرایم مستوجب حق الله محض یعنی جرایمی که حق الناسی در آن ضایع نشده است و صرفاً حق الله یعنی نهی خداوند متعال در جهت عدم انجام آن جرم زیر پا گذارده شده است با محدودیت مواجه است بدین صورت که در جهت اثبات این گونه جرایم استفاده از این نوع ادله به عنوان مبادی علم قاضی ممکن نیست ولی با توجه به همین سیاست های نظام حقوق کیفری اسلام، امکان استناد به ادله اثبات علمی صرفاً در راستای براءت متهم امکان پذیر است که این امر از توجه در برخی آیات و روایات و همچنین برخی از قضاوت های امیرالمؤمنین (ع) هویدا می گردد.

اکثر پرونده هایی که موضوع صدمات داشته باشند اعم از عمدی و غیر عمدی که از حوزه های قضایی به پزشکی قانونی ارجاع می شود پس از بررسی نظریه خود را اعلام می کنند که این امر موجب می شود تکلیف پرونده ها و خصوصاً پرونده هایی که مهم هستند مشخص شود. اکثر پرونده هایی که موضوع صدمات داشته باشند اعم از عمدی و غیر عمدی که از حوزه های قضایی به پزشکی قانونی ارجاع می شود پس از بررسی نظریه خود را اعلام می کنند که این امر موجب می شود تکلیف پرونده ها و خصوصاً پرونده هایی که مهم هستند مشخص شود. در برخی از شهرستانها بلحاظ موقعیتی و جمعیتی و محیط کارگری نیازمند پزشکی قانونی و حضور پزشک است و می بایست تلاش شود تا حداقل بتوانیم با جذب پزشکان به صورت دایم در حوزه های قضایی شهرستانها این مشکل رفع شود.

در پایان و به عنوان نتیجه گیری کلی از آنچه که بیان شد؛ پزشکی قانونی تحت ریاست و نظارت قوه قضاییه و در راستای کشف جرائم و کمک به دستگاه قضا، از طریق معاینه اجساد و کالبد شکافی، معاینات بالینی، آزمایش، اقدام به ارائه نظرات تخصصی و کارشناسانه به جهت کشف حقیقت و روشن شدن حقیقت می نماید. پزشکی قانونی در تعیین جراحات و تعیین میزان خسارات وارد شده بر اشخاص، احراز رشد و جنون افراد، مسائل جنسی و موارد بسیار دیگری صلاحیت بررسی و رسیدگی خواهد داشت. تشریح و کالبدشکافی اجساد که در اثر جنایت یا مرگ های مشکوک فوت شده اند با هدف کشف حقیقت و اجرای عدالت منع قانونی و فقهی ندارد. کشف حقیقت از آن جهت که حقوق طرفین ادعا رعایت شود و خون بیگناهی پایمان نشود و فردی بیگناه در مظان اتهام قرار نگیرد؛ که این دو در واقع با هدف اجرای عدالت صورت میگیرد و رسیدن به چنین هدفی ممکن نیست مگر با استفاده از متخصصین امر که به موجب قوانین موجود در ابتدای امر و به حکم اولیه پزشکان قانونی هستند و در صورت فقدان یا ضرورت امر سایر پزشکان متخصص خواهند بود که مقامات قضایی را یاری میدهند. البته



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

وظایف تعیین شده برای هر دو گروه قاضی و پزشک در قوانین نوعی همیاری را می‌رساند. پزشک برای کالبدشکافی و تشریح نیاز به اجازه مقام قضایی دارد و از طرفی مقام قضایی برای کشف حقیقت در فرآیند دادرسی کیفری پرونده ای که رسیدگی به آن به او محوّل شده است نیازمند اطلاعات علمی و تخصصی پزشک است که با معاینه دقیق و تجزیه و تحلیل اطلاعات پیچیده مربوط به ساختار بدن انسانی و نیز نتایج فنی حاصله قاضی را یاری می‌نماید. اجازه پذیرش یا رد نظر کارشناسی پزشکی قانونی بایستی با واقعیات همخوانی داشته باشد. قاضی که متخصص امر نیست خود نمی‌تواند بدون مستند علمی نظریه پزشکی قانونی را رد نماید. بنابراین رد نظر پزشک قانونی صرفاً با نظر گروه دیگری از پزشکان قانونی امکانپذیر است و در این صورت است که اختیار قاضی در رد یا قبولی یکی از نظریات هر یک از گروه‌ها بر اساس پرونده کیفری به منصف ظهور می‌رسد که این امر در مقررات آئین دادرسی کیفری نیز آمده است.

پیشنهادات

با توجه به اهمیت و جایگاه خاص پزشکی قانونی و نیز زحمات و خدمات مدیران و کارکنان آن برای رفع چالش‌ها و مشکلات این مجموعه تخصصی مساعدت و حمایت‌های لازم را از این سازمان خواهیم داشت. پزشکی قانونی در اجرای برنامه‌های سند تحول اقدامات بسیار خوبی انجام داده و موفق عمل کرده است و امید است در سال جدید نیز موفق‌تر از پیش و در مسیری توأم با تعالی گام بردارد. در سال گذشته نرم افزار جامع تخصصی که موجب کاهش اطاله دادرسی می‌شود در بخش معاینات به طور کامل در مراکز پزشکی قانونی کشور به کار گرفته شد و در حوزه‌های آزمایشگاه، کمیسیون‌های تخصصی و تشریح نیز با پیشرفت‌های صورت گرفته به زودی عملیاتی می‌شود.

در حال حاضر ۱۵۰ شهرستان در کشور با وجود داشتن مراکز قضایی، فاقد مرکز پزشکی قانونی هستند و با وجود افتتاح مراکز ۴۹ گانه در شهرستان‌های دور از مرکز که طی دو سال گذشته صورت گرفت، برخی شهرها هنوز مرکز پزشکی قانونی ندارند و این موضوع مردم را در دسترسی به خدمات سازمان دچار زحمت می‌کند. تلاش ما آن است که شرایطی فراهم کنیم تا مردم به خدمات این سازمان دسترسی راحتی داشته باشند و خدمات را در فضایی مناسب و استاندارد دریافت کنند به ویژه آن که اغلب مراجعین سازمان نیز افرادی متألم و دردمند هستند که باید مورد تکریم قرار گیرند. پزشکی قانونی در بحران‌ها و حوادث حضوری فعال و موثر دارد که از آن جمله می‌توان به موضوع هواپیمای اوکراینی و تعیین هویت قربانیان آن در کمترین زمان ممکن اشاره کرد. در این خصوص جلساتی با وزارت



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

بهداشت تشکیل شده است اما برخی موانع در این مسیر وجود دارد که امیدواریم برطرف شود چرا که وجود این دانشکده با توجه به برتری پزشکی قانونی ایران در منطقه، اقدامی قابل توجه در مسیر مرجعیت علمی و سند گام دوم انقلاب است. سه وظیفه از پنج وظیفه اصلی سازمان به امور آموزشی و پژوهشی مربوط می‌شود و سازمان در ارتباط تنگاتنگ با دانشگاه‌ها و مراکز علمی قرار دارد و بسیاری از دانشجویان در رشته‌هایی همچون پزشکی، حقوق، مامایی و..... دوره‌هایی را در سازمان طی می‌کنند.

امروزه علم بر پایه فرضیه‌ها و استقراء ظن‌ها و احتمال‌ها استوار است و هیچ نتیجه‌ای قطعی و یقینی و تمام شده نیست. روشن است که مقتضای عدالت واکنشی برای نظام کیفری در حمایت از این دلیل علمی است. طبق آنچه شرح داده شد، میتوان ادعا کرد که قوانین کیفری ایران در خصوص پزشکی قانونی نیاز به بازنگری و اصلاح جدی دارد. پزشکی قانونی برای انجام وظایف خود به برخی ضروریات پایه احتیاج دارد و قبل از هر چیز باید قانون مناسبی وجود داشته باشد که تشکیلات پزشکی قانونی بر مبنای آن فعالیت کند تا با روشن شدن هر چه بیشتر جایگاه پزشکی قانونی در نظام کیفری و قابلیت‌های آن و به کارگیری از تخصص و پتانسیل‌های موجود در این سازمان در صدور نظریات دقیقتر و مبتنی بر ادله عملی اقدام شود. در بحث معانیات پزشکی قانونی بخصوص در مراحل اولیه، نظر پزشکی قانونی علاوه بر این که یک نظر کارشناسی است به عنوان شاهد و تأمین کننده دلیل، یک دلیل و سند و مدرک اثبات وقوع جرم هم ممکن است باشد. فلذا صرفاً طریقیّت ندارد بلکه در مواردی موضوعیت دارد. لذا لازم است کامل، جامع، مستدل و قابل تصور و تجسم و بررسی در هر زمان توسط متخصصین امر باشد. با این حال در قانون جدید دیات بخصوص در کلیات و بالخصوص بحث تداخل دیات و ارش، تحولات ذیقیمتی را شاهدیم. ولی متأسفانه کمتر مورد عنایت واقع شده است. اهمیت تداخل دیات با افزایش سالیانه و بعضاً جهشی دیه کامل در هر سال و میزان دیه صدمات که به نظر بیشتر مبتنی بر فعل آسیب رسان است تا نتیجه و آسیب وارده، بخصوص در مواردی که صدمات در خارج از تصدی و تکفل بیمه‌ها رخ می‌دهد مانند موارد عمدی یا اتفاقات خاص، بیشتر رخ می‌نماید. با بررسی مواد قانونی در این زمینه و استخراج محتوا و اصول بنیادی که قوانین بر آن استوار گشته‌اند، با افزایش قابلیت به کارگیری و حتی بهبود آموزش و تعلیم قواعد مربوطه، مواجه خواهیم بود. شیوه تداخل دیات در واقع، مبتنی بر روشی فقهی است که از فقه به قانون راه پیدا کرده است. همچنین، وحدت و یگانگی در چهار موضوع، ضربه، آسیب، محل و نوع آسیب در شرایطی، وحدت دیه را باعث می‌شود که موارد آن به طور مبسوط عنوان شد. از نتایج غیرمستقیم این مطالعه که به صورت پیشنهاد قابل طرح است، لزوم نگاه تخصصی به امر تعیین دیه و ارش



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

است ضمن اینکه پزشکان ما لازم است به مبانی حقوقی آن تسلط داشته باشند؛ قضات دادگاه ها نیز ضمن آشنایی با مبانی آسیب شناسی ضرب و جرح ها از جهت پزشکی، از نظر حرفه ای هم از تخصص بالای حقوقی در این زمینه برخوردار باشند و در مورد پرونده های مهم یا در جرائم عمدی که به دیه ختم می شوند و باید شخص محکوم علیه آن را بپردازد، از نظر کارشناسان مستقل که به طور حرفه ای در این زمینه فعال هستند استفاده کنند. پیشنهاد دیگر این است که جهت اجرای حق یا جلوگیری از اجحاف صدور رأی دعاوی قتل و یا ضرب و جرح توسط دادگاه ها، مشورت با افراد خبیره و کارشناس پزشکی قانونی فراموش نگردد؛ چرا که در این خصوص این اشخاص می توانند نقش مؤثرتری دارا باشند؛ با توجه به اهمیت و نقش نهاد پزشکی قانونی در اغلب دعاوی، قانونی خاص در این باب تدوین گردد؛ بحث لزوم رعایت و تبعیت یا عدم تبعیت قاضی از نظریه کارشناسی پزشکی قانونی به عنوان یک موضوع در قانون مورد توجه قرار گیرد.

لذا با توجه به مطالب فوق پیشنهاد می شود:

۱- بازنگری در قوانین کیفری و مدنی در راستای ارتقای ارزش اثباتی نظریه کارشناس؛

۲- مکلف کردن قضات به ارجاع امور فنی به کارشناسان در متون و لوایح قانونی؛

۳- مکلف کردن قضات به ارائه استدلال فنی و حقوقی در صورت عدم پذیرش نظرات کارشناس (ماده ۱۲۴-۴۴ قانون

آیین دادرسی در امور کیفری جدید)



تدین، عباس (۱۳۸۸) جایگاه کارشناسی و ادله بیوژنتیکی در دادرسی های کیفری، حقوقی دادگستری، شماره ۶۸.

ادیب، محمدحسین (۱۳۸۷) پزشکی قانونی، تهران: انتشارات سهامی چهر.

حکمت، سعید (۱۳۷۱) پزشکی قانونی، تهران: انتشارات دانشگاه ملی.

زراعت، عباس؛ حاجی زاده، حمیدرضا (۱۳۸۳) ادله اثباتی کاشان: انتشارات قانون مدار.

رشادتی، جعفر (پاییز ۱۳۸۷) اهمیت کالبدشکافی در دادرسی های قضایی، پزشکی قانونی، دوره ۱۴، شماره ۵۱.

وفایی، داریوش (۱۳۷۶) مروری بر قوانین و مقررات مربوط به پزشکی قانونی، تهران: سازمان پزشکی قانونی.

افتخارزاده، یحیی (۱۳۷۷). پی جویی قتل. تهران: انتشارات زوار.

افتخاری، علی و دیگران (۱۳۸۴) بررسی روش ها و انگیزه های مختلف قتل در تهران بزرگ و عوامل مرتبط با آن

از اول مهر ۱۳۸۲ تا آخر ۱۳۸۳. فصلنامه پزشکی قانونی، شماره ۴.

قزل ایاغ، حسین قلی (۱۳۳۶) پزشکی قانونی، تهران: انتشارات وزارت دادگستری.

گودرزی، فرامرز (۱۳۷۴) پزشکی قانونی، تهران: نشر چکامه، چاپ سوم، ص ۲۸

گودرزی، فرامرز (۱۳۷۷) پزشکی قانونی، جلد اول و دوم، تهران: انتشارات انیشتین.

(۱۳۸۹) قانون مجازات اسلامی، انتشارات روزنامه رسمی